

## سرچشمہ دانش رازی در صنعت کیمیا

نگارش

دکتر مهندس حسنعلی شبانی

۴ - ترجمه «قصص و حکایات المرضی» تألیف ابو بکر محمد بن زکریای رازی - تهران ۱۳۴۳ خورشیدی :  
۵ - ترجمه «كتاب الجدری والخصب» (آبله موسی) تألیف ابو بکر بن محمد زکریای رازی تهران سال ۱۳۴۴ هجری خورشیدی .

یکی دیگر از دانشمندان آقای محمد تقی دانش پژوه است که کتاب «الاسرار» و «سرالاسرار» رازی را پس از مقابله و تصحیح بچاپ رسانیده است (تهران سال ۱۳۴۲ هجری شناساندن مقام علمی رازی بچاپ رسانیده و سخنرانی های خورشیدی).

چندی در این پاره در مجتمع علمی ایران و خارج از کشور لومان دیگر دکتر مهدی محقق است که کتاب «السیرة الفلسفية» تألیف ابو بکر محمد بن زکریای رازی را به ترجمه استاد فقید عباس اقبال در سال ۱۳۴۳ هجری خورشیدی در تهران بچاپ رسانیده است .

همچنین کتاب «المدخل التعليمی» تألیف محمد زکریای رازی که بکوشش دکتر حسنعلی شبانی ترجمه و تشریح شده بود، در سال ۱۳۴۶ توسط دانشگاه تهران بچاپ رسیده است .

اکنون پس از اینکه در حدود یک قرن علمای مغرب زمین درباره پیدا کردن نسخه های گم شده کتابها و رساله ها -

در سی ساله اخیر دانشمندان ایرانی برای شناختن و شناساندن رازی کوشش های فراوانی کردند و کتابهای زیادی درباره رازی بزبان فارسی بچاپ رسیده است و جنب وجوش محسوسی برای نشر آثار و تشریح و ترجمه آنها بزبان فارسی بوجود آمده است .

یکی از کسانی که در این زمینه سهم بسزائی دارد استاد فاضل دکتر محمود نجم آبادی است که از سال ۱۳۱۳ هجری خورشیدی تا کنون کتابها و مقالات زیادی برای شناساندن مقام علمی رازی بچاپ رسانیده و سخنرانی های خورشیدی .

کتابهای زیر را این دانشمند رازی شناس بچاپ رسانیده است :

۱ - «شرح حال و مقام طبی محمد زکریای رازی پیشک نامی ایران» - چاپ تهران سال ۱۳۱۸ خورشیدی ;  
۲ - «یک نابغه بزرگ ایرانی» - تهران سال ۱۳۲۰ هجری خورشیدی ;

۳ - «مؤلفات و مصنفات ابو بکر محمد بن زکریای رازی» تهران ۱۳۳۹ هجری خورشیدی :

در کتاب «الشواهد» رازی که هنوز بچاپ نرسیده است، رازی نام علم و حکماء زیر را ذکر کرده است و اغلب به گفته های آنان استشهاد کرده است:

۱- هرمس- در کتاب الفهرست صفحه ۴۹۴ شرح حال مختصری از هرمس آمده است. میگویند یکی از کاهنای معروف نمایشگاه عطارد در شهر بابل بوده است. بزبان کلدانی بستاره عطارد هرمس می گفتند.

بعضی میگویند که هرمس همان ادریس است. در الفهرست کتابهای هرمس بشرح زیر ذکر شده است: کتاب هرمس الی ابنه فی الصنعة- کتاب الذهب السائل- کتاب الی طاط فی الصنعة- کتاب عمل الغقد- کتاب الاسرار- کتاب الہاریطوس- کتاب الملاطیس کتاب الاستاخس- کتاب انمیس تلمیذ هرمس- کتاب نیلاس تلمیذ هرمس فی رای هرمس- کتاب الادجیفی- کتاب سانوس لهرمس؛

۲- آغاذیمون (Aghathedemon). در مذهب حرانیان دو شعبه وجود داشته است:

یک شعبه ستاره پرست بودند و از آغاذیمون پیروی میکردند و می گفتند: که آغاذیمون تعلیمات خود را از اخنوخ (Enoch) گرفته است. نام- یگر او را هرمس الہرامسہ (Hermes Trismegistos) یا پونانی (Trismegistos) یا هرمس مثلث یعنی هرمسی که شامل سلطف خدایان شده بوده است. مینویسد: که اسطانس رومی و اهل اسکندریه بوده و از کتابهای او «کتاب محاورة اسطانس توهیر ملک الہند» را ذکر کرده است:

پژوهشی اخیر روشن کرده است که چند دانشمند در سده های مختلف بنام اسطانس یا اسطانس معروف بوده اند. مهم ترین آنها مغ ایرانی بوده کددرهمه کتابهای یونانی و مصری اورا ایرانی خوانده اند و از او با احترام یاد کرده اند. میگویند که وی در دربار خشایارشاه پادشاه هخامنشی بوده و بعد از پیغمبر رفته است و کاهن بزرگ نمایشگاه

های رازی و ترجمه و تشریح آنها با کثر زبانهای خارجی کوشیده اند، در سرزمین ایران یعنی زادگاه این دانشمند بلند پایه ایرانی، نهضتی برای شناختن و شناساندن رازی بوجود آمده است و حتی زمزمهای از ایجاد کانونی برای رازی شناسی بگوش میرسد، تاعلا قمدان بتوانند در آنجا گردهم جمع شوند و در پاره آثار این نابغه بزرگ ایرانی پژوهش و بررسی کنند.

هر چند تا کنون این جنبش های ایرانی جنبه بین المللی پیدا نکرده است، ولی امید آن میرود که درسایه کوشش و جد دانشمندان ایرانی مرکز رازی شناسی دنیا در ایران بوجود آید.

مطلوبی که از نظر ایران شناسی شایان اهمیت است، بحث درباره سرچشمۀ دانش رازی در صنعت کیمیاست. در این باره علمای مغرب زمین پژوهش‌های زرفی کرده اند و طبق نظر عده‌ای از محققان عالم رازی علی ابن رین یا ابن زیل از اهل طبرستان بوده است. درباره دوران تحصیلی رازی و تاثیر مکتب های مختلف در دوران تحصیلی وی اخبار زیادی در دست نیست.

همیقتدار میتوان گفت که در مکاتب طبرستان زادگاه ابن رین و یادگار گندی شاپور در خوزستان وجود داشته، علمای حرانی یا صابئین و نسخه‌یان علوم طبیعی و کیمیا را تدریس میکردند و معلم رازی حتماً از این دانشمندان کسب فیض کرده است.

رازی در کتابهای خود از علمای حرانی و صابئی نام میبرد. مثلاً در کتاب الشواهد یکی از صابئین بنام «سلیم حرانی» اشاره کرده است.

صابئین و حرانیان در شمال بین النهرين در شهر حلب برای علوم طبی و کیمیا وی مدارسی ایجاد کرده و علوم کلدانیان و ایرانیان و مصریان و چینی ها را به آنجا منتقل کرده بودند و این علوم به میانجی آنان به کشورهای اسلامی منتقل شده است.

کیمیاگر یونانی نیلوس (Nilus) باشد، که در زمان ذوسموس میزیسته است:

۱۲- سرجس یا سرجیس (Sergius) - فیلسوف و پژوهشگر معروفی است که در رأس العین در شمال بین النهرين میزیسته و در سال ۵۳۶ میلادی در شهر قسطنطینیه فوت کرده است:

در کتاب الفهرست کتاب «سرجس الراهب فی الصنعة» آمده است:

۱۳- افلاطون . فیلسوف یونانی است که در اغلب کتابها شرح حال و کتابهای او آمده است :

۱۴- الوزیر- این شخص که در کتاب الشواهد از وی نام برده شده است ، ناشناس است :

۱۵- خالد ابن یزید بن معاویة بن ابی سفیان - در کتاب الفهرست صفحه ۴۹۷ کتابهای زیر باو نسبت داده شده کتاب الحراء - کتاب الصحیفةالکبیر- کتاب الصحیفةالصغیر- وصیةالابن فی الصنعة .

۱۶- هرقل(Heraclius) - در کتاب الفهرست صفحه ۴۹۷ نام این شخص آمده و کتاب « هرقل الاکبر اربعة عشر کتاباً ، به او نسبت داده شده است:

۱۷- جالنوس (Galen) که از علمای معروف است و شرح حال او و کتابهایش در اغلب رساله‌ها و تذکره‌ها آمده است :

۱۸- زوسم (Zosimus). در الفهرست صفحه ۴۹۷ این نام آمده است و اگر همان ذوسموس باشد کیمیاگر معروفی است که در مصر میزیسته و دارای کتابهای زیادی است که شرح حال او در اغلب کتابها ذکر شده است :

۱۹- رساموس (Risamus) - در الفهرست صفحه ۴۹۸ « کتاب السموس » آمده است ولی معلوم نیست این همان رساموس یا ذوسموس باشد؟

۲۰- سقدیس (Saghdis) - در الفهرست صفحه

ممفیس شده است و در آنجا علم مغان(ساحری جادوگری پیشگوئی) و کیمیاگری تدریس میکرده و شاگردان زیادی داشته و از جمله عالم معروف یونانی « دمو کریتوس » ( دیمکراطیس ) شاگرد او بوده و کتابهای خود را پس از کسب فیض از اساطیر نوشته است . در بسیاری از کتابهای قدیمی استانس را استاد و پدر علم کیمیا و علوم مغان نامیده اند.

۴- آنطوس (Antos) - در کتاب الفهرست صفحه ۴۹۷ این نام آمده است ولی شرحی در باره آن داده نشده است ،

۵- آسطوس (Astus) - در کتاب الفهرست صفحه ۴۹۷ این نام بدون شرح آمده است :

۶- ماریه - در کتاب الفهرست صفحه ۴۹۷ نام این زن قبطی آمده و میگویند که در علم کیمیا بسیار ماهر و معروف بوده است . بعضی اورا خواهر حضرت موسی (ع) میدانند. کتابهای «ماریةالکبیر» و «ماریةالقبطیةمنالحكماء حين اجتمعوا اليها» را به او نسبت داده اند :

۷- ارسطو(Aristoteles) - که جزو علمای معروف یونانی است و شرح حال و کتابهای او در اغلب تذکره‌ها آمده است :

۸- اسکندر - در کتاب الفهرست صفحه ۴۹۷ نام اسکندر روس آمده است و رساله «هنریةالاسکندر» و «کتاب الاسکندری و مطالعات جالنوس» را به او نسبت داده اند؛ فی الحجر» را به او نسبت داده اند؛

۹- بطرس(Batus) - در هیچ جا نامی از این شخص دیده نشده است :

۱۰- بالینوس (Appolonius) در شرحی که رازی در کتاب الشواهد نوشته است بالینوس نظریه‌اتمی دیمکراطیس را نقل قول میکند :

این شخص در سال ۹۰ میلادی فوت کرده است . در کتاب الفهرست کتاب « دیمکراطیس فی الرسائل » آمده است :

۱۱- بیلوس (Bilus) - این شخص ناشناس است و شاید

۴۹۷ سفیدس آمده است و معلوم نیست این نام همان سفیدس باشد؟

۲۱- مهارس (Mahraris) - در کتاب الفهرست نام

په، ارس در صفحه ۴۹۷ آمده است، ولی معلوم نیست این  
نام ن شخص باشد؟

۲۲- ابوذوفیر - در جایی دیگر این نام دیده نشده است.

۲۳- سلیم حرافقی - در الفهرست نام حربی ذکر  
شده، ولی معلوم نیست این همان شخص باشد؟

۲۴- بلاخ (Balakhus) - در الفهرست صفحه

۴۹۸ کتاب «رسائل بلاخس فی الصنعة» آمده است.

از این نامهایی که در کتاب الشواهد ذکر شده است.

چنین معلوم میشود که رازی احاطه بزرگی به گفته ها و نوشته

های دانشمندان قبل از خود داشته و نظر آنها را بسیار  
محترم شمرده و به گفته آنها استشیاد کرده است. متأسفانه

چون از این دانشمندان علم کیمیا اطلاعات زیادی در دست  
نیست و اکثر کتابهای آنها از بین رفته، نمیتوان با این نکته

پی بردن که رازی چه مطالبی را از این دانشمندان گرفته است.  
رازی چون بحدس قوی زبان یونانی میدانسته است،

با نوشته های کیمیاوی یونانی مستقیماً آشنا بوده و از  
آنها استفاده کرده است. بعضی روش مخصوص کیمیا گران

یونانی را رازی نیز بکار برده است و شاید بتوان این  
مطلوب دلیل بر آشنائی رازی با کیمیا گران یونانی دانست.

رازی در کتاب های خود فلز «آهن چینی» - *الخازن علی خود* که کل رادر بسیاری از دستورالعمل های  
«دهن النوشادر» یا جوهر نمک تهیه کرده است. در اثر  
حرارت دادن (تقطیر یا تسعید) نوشادر بازاج ها مخلوطی  
از جوهر گوگرد و سولفات دامونیوم و املاح مس و یا آهن  
تهیه نموده است. این مطالب در کتاب الاسرار رازی در  
بسیاری از دستورالعمل ها شرح داده شده است و از روی آنها  
میتوان حدس زد که قسمت عمده دانش رازی بر پایه  
دانش ایرانیان قبل از اسلام قرار گرفته و رازی آن  
معلومات را باعلوم یونانی و مصری و چینی توأم و تلفیق  
کرده بوده است.

مطلوب دیگری که شایان بسی توجه و پژوهش است  
و اغلب دانشمندان اروپائی به آن اشاره کرده اند، وجود  
نامهای زیاد فارسی برای افزارها و داروها در کتابهای  
کیمیاوی رازی است. این موضوع نشان میدهد که رازی  
قسمتی از معلومات خود را از روی کتابهای فارسی و یا شاید

پهلوی که در دسترس خود داشته، گرفته است. مطلبی که  
یولیوس روسکا به آن توجه مخصوص کرده، بکار بردن  
نوشادر در بسیاری از دستورالعمل های رازی است.

نوشادر با این وصف و تعریف در کتابهای کیمیا گران  
یونانی و مصری وجود ندارد و بهمین جهت باید نتیجه  
گرفت که این قسمتها را رازی از کتابهای ایرانی که از  
زمان ساسانیان هنوز در دسترس او بوده، اتخاذ نموده است.  
متأسفانه کتابهای کیمیاوی دوره ساسانیان مفقود  
شده اند و نمیتوان در باره آنها فعلاً بحث نمود، ولی از این  
اشارات میتوان فهمید، که علم کیمیا در زمان ساسانیان اهمیت  
زیادی داشته است و کتابهای زیادی از آن دوره تازمان  
رازی باقی بوده است.

تنها کتابی که از آن زمان بجا مانده است «رسالة جاماس  
حکیم الی اردشیر فی السر المکتوم» و هی عجمیه فیها متفوّلة  
من فارسیة الی عربیه» است که در کتابخانه رامپور نزدیک  
دهلی باقی مانده است و هنوز مورد تحقیق قرار نگرفته است.  
دانشمند آلمانی یولیوس روسکا (Julius Ruska) (

به این نکته اشاره کرده که نوشادر از ایران به سایر کشورها  
رفته و در علم کیمی ایرانیان قبل از اسلام اهمیت زیادی  
داشته است.

رازی هم نوشادر کل رادر بسیاری از دستورالعمل های  
علی خود را بکار یارده و از آن «ماء النوشادر» یا آمونیاک و  
«دهن النوشادر» یا جوهر نمک تهیه کرده است. در اثر  
حرارت دادن (تقطیر یا تسعید) نوشادر بازاج ها مخلوطی  
از جوهر گوگرد و سولفات دامونیوم و املاح مس و یا آهن  
تهیه نموده است. این مطالب در کتاب الاسرار رازی در  
بسیاری از دستورالعمل ها شرح داده شده است و از روی آنها  
میتوان حدس زد که قسمت عمده دانش رازی بر پایه  
دانش ایرانیان قبل از اسلام قرار گرفته و رازی آن  
معلومات را باعلوم یونانی و مصری و چینی توأم و تلفیق  
کرده بوده است.